

چهارمین سالگشت زنده یاد رفیق ضیاء را گرامی می‌داریم!

چهار سال از درگذشت رفیق ضیاء می‌گذرد. بعد از درگذشت رفیق ضیاء رویونیست‌های آواکیانی نیز یاد و خاطره او را تجلیل نمودند. آن‌ها از این‌که رفیق ضیاء از "سنتزهای نوین" آواکیان دنباله‌روی نکرد و در مقابلش ایستاد متأثر بودند. به همین ترتیب در ظرف این چهار سال انحلال طلبانی که از دورن حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان سر بلند نمودند نیز خاطره رفیق ضیاء را تجلیل می‌کنند. با کمال تأسف تمامی شان تلاش نموده اند تا رفیق ضیاء را غیر از آن‌چه هست نشان دهند. و با منتها دقت، وجه تمایز بین ضیاء مائوئیست و افراد غیر مائوئیست مکتوم گذاشته شده است. ما تلاش نمودیم تا این وجه تمایز را به خوبی نمایان سازیم. برای معلومات بهتر در این زمینه به اعلامیه‌های اول سرطان سال‌های 1401 و 1402 خورشیدی حزب مراجعه نمائید.

مائوئیست‌ها باید یاد و خاطره رفیق ضیاء را زنده نگه‌دارند و از وی یاد نموده و این روز را تجلیل نمایند، نه به منظور ثنا خوانی بل که به منظور روشن ساختن وظایف خویش و شناساندن مقامی که رفیق ضیاء در تاریخ داشت. مقامی که رفیق ضیاء را در سطح ملی و بین‌المللی معرفی نمود.

رفیق ضیاء درد و رنج مردم زحمت‌کش و به خصوص ستمی که بر میلیت‌های تحت ستم روا داشته می‌شد، به خوبی درک نموده بود. او ابتدا برای مبارزه با رژیم استبدادی زمان به مبارزات ملی - اسلامی روی آورد. اما زندانی شدن او در زمان ریاست جمهوری داوود خان در قندهار او را از خواب بیدار نمود و مسیر مبارزاتش را تعویض نمود. او دانست که این شیوه مبارزه راه بیرون رفت از این معضل نیست. در نیمه سال 1357 خورشیدی از زندان آزاد شد. بعد از آزادی به گروه زنده یاد مجید پیوست. بعد از درگذشت مجید و تعویض مسیر مبارزاتی ساما رفیق ضیاء مبارزات درون سازمانی را با ساما شروع نمود. برای معلومات بیشتر به اسناد تاریخی در ویب سایت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مراجعه نمائید. (www.cmpa.io)

وقتی که رفیق ضیاء مطمئن گردید که مبارزات درونی دیگر نتیجه بخش نیست از ساما برید. در سال 1365 خورشیدی هسته انقلابی... را پایه‌گذاری نمود. در حقیقت این رفیق ضیاء بود که در نیمه اول دهه شصت خورشیدی جنبش نوین کمونیستی را در افغانستان بنیان‌گذاری نمود. رفیق ضیاء با بررسی همه‌جانبه خط سازمان جوانان مترقی تحت رهبری رفیق اکرم یاری، جوانب مثبت این خط را تکامل داد و از جوانب منفی آن گسست نمود. برای معلومات بیشتر در این زمینه هم به شماره چهارم شعله جاوید - دور چهارم مراجعه کنید.

رفیق ضیاء اولین شخصیت مائوئیست در افغانستان است که ایجاد حزب کمونیست افغانستان را در اولویت کاری خود قرار داد و آن را ساخت. او مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم (در آنوقت اندیشه مائوتسه دون) را به عنوان رهنمای اندیشه و عمل خود پذیرفت و از این طریق به تکامل خط رفیق اکرم یاری همت گماشت و خط و مرز میان انقلاب و ضد انقلاب کشید. او قبل از این که در جلسه گسترده سال 1993 میلادی که سند زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم به تصویب رسید شرکت نماید، مائوئیسم را به عنوان سومین مرحله تکاملی مارکسیستی - لنینیستی به رسمیت شناخت. او برای به رسمیت شناختن مائوئیسم به عنوان سومین مرحله تکاملی مارکسیستی - لنینیستی در جلسه گسترده سال 1993 میلادی نقش به‌سزائی ایفا نمود.

رفیق ضیاء از نیمه دهه شصت خورشیدی و با ایجاد هسته کمونیست‌های انقلابی از مشی انحرافی ساما به عنوان یک خط ارتجاعی بورژوا - ناسیونالیسم گسست کامل نمود. همین گسست به او این جرأت اخلاقی را داد تا بدون ترس و وا همه حزب کمونیست افغانستان را ایجاد نماید و با انواع و اشکال رویونیسم، اپورتونیزم و تسلیم طلبی ملی و طبقاتی به مبارزه برخیزد. به همین علت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، نیمه دهه شصت خورشیدی را مرحله اعتلای جنبش نوین کمونیستی افغانستان بیان می‌دارد.

حقیقت مسلم آن است که بعد از فروپاشی سازمان جوانان مترقی خط انقلابی رفیق اکرم یاری یا به عبارت صحیح‌تر جنبش کمونیستی کشور توسط انتقادیون زیر خاک مدفون گردیده بود، و این رفیق ضیاء بود که در نیمه دهه شصت خورشیدی به آن اعتلای نوین بخشید و این بیرق را به اهتزاز در آورد.

رفیق ضیاء اولین شخصیت مائوئیست در افغانستان است که بعد از تجاوز امپریالیست‌ها به رهبری امپریالیزم امریکا در افغانستان و اشغال این کشور، اشغال کشور را محکوم نمود و برای اتحاد نیروهای مائوئیست کشور گام به جلو گذاشت. با نشر اعلامیه علاوه بر محکوم نمودن اشغال کشور روی وحدت مائوئیست‌های کشور تاکید نمود. همین طرح رفیق ضیاء بود که زمینه‌ساز پروسه وحدت جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی افغانستان گردید و بالاخر منجر به ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گردید.

رفیق ضیاء در کنگره وحدت، به اتفاق آراء به عنوان صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برگزیده شد. او یک رهبر بی بدیل بود. او بود که علیه رویزیونیسم آواکیان موضع گرفت و همراه با کمیته مرکزی حزب مبارزات جدی، پی‌گیر و اصولی را به پیش برد. و به همین ترتیب علیه رویزیونیسم "راه پارچندا" و انحراف عمیق "اندیشه گونزالو" نیز مبارزاتش را به درستی پیش برد. رفیق ضیاء در کنگره دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نیز به اتفاق آراء رهبری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را به عهده گرفت و تا زمانی که دیده از جهان فرو بست حزب را بصورت درست و اصولی رهبری نمود.

رفیق ضیاء قبل از کنگره دوم به خوبی درک نموده بود که رگه‌های از انحلال طلبی در درون حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان خود را به نمایش گذاشته است. او علیه این انحلال طلبی و انحرافات عمیق ایدئولوژیک - سیاسی به مبارزه برخاست. نامه‌های رفیق ضیاء به ملیار، یاسین و مقاله اش در مورد زلاند به درستی بیان‌گر این انحرافات است. رفیق ضیاء به تاریخ 16 / 6 / 2017 میلادی به ملیار نامه نوشت و این گونه وی را مورد خطاب قرار داد:

« واقعیت این است که غیرفعال شدن بسیار جدی شما از لحاظ پیش‌برد مسئولیت‌های حزبی از چندین ماه به این طرف مضر و ناگوار تمام شده و تأثیرات منفی زیان‌باری به جا گذاشته است که خود می‌تواند زمینه‌ساز تصورات خوب در مورد شما نباشد.»

« همان گونه که نادیده گرفتن این فیصله و تصویب از راست، انحلال طلبانه است، حرکت "چپ‌روانه" و افشاگرانه به نام حزب و آن هم باربار، که می‌تواند در آینده و حتی هم اکنون مشکلات عظیمی برای ما ایجاد نماید، خلاف اصل تشکیلاتی اضافه شده بر اساسنامه حزب در کنگره دوم است. "چپ‌روی" می‌تواند به راست روی منجر شود که متأسفانه در مورد شما حداقل برای یک‌بار همین گونه شده است. امیدوارم طی این سطور اهمیت موضوع را برای تان رسانده باشم.» تاکیدات همه جا از ماست.

رفیق ضیاء به همان تاریخ نامه به یاسین دوست نزدیک و صمیمی ملیار می‌نویسد و حرکات و عمل‌کردشان را چنین توضیح می‌دهد:

« در حرکت پارسال هم علیرغم این که بار بار به ملیار گفتیم که در حرکت به نام هواداران و نه خود حزب سهم بگیرید، ولی او حاضر نشد این موضوع را، که هم دستور بود و هم یک موضوع بار بار فیصله شده، در عمل اجرا نماید. حالا از "چپ روی" افشاگرانه قبلی به راست زده و حتی بیرق هواداران را زیر بغل پنهان می‌کند. این یک واقعیت بار بار تجربه شده است که "چپ روی" می‌تواند زمینه ساز راست روی باشد. خلاصه این که حرکت شما در فعالیت‌های علنی در آن دیار خلاف اصل تشکیلاتی اضافه شده در اساسنامه حزب در کنگره دوم (اصل مخفی کاری) است، در حالی که پنهان کردن هویت و موجودیت هواداران در آن جا درست و اصولی نیست و یک نوع حرکت انحلال طلبانه تلقی می‌گردد.» تاکیدات همه جا از ماست.

همین امر باعث اخراج ملیار از کمیته مرکزی حزب گردید. اما متأسفانه که این مبارزه از طرف رفیق ضیاء و کمیته مرکزی حزب علیه انحلال طلبی و انحرافات عمیق ایدئولوژیک - سیاسی بار بار تکرار شده بصورت جدی، پی‌گیری نشد و رفیق ضیاء هم در این مورد معترف است:

«با آن هم در زمینه حرکت ناشایستی که از زلاند سر زد و حتی بعد از اعتراف وی به جرمش هیچ‌گاه در مورد مجازاتش به شیوه درست

و اصولی برخورد نگرديد. عدم برخورد اصولی زمينه ساز انحرافات جدی تر حتی تا سرحد انحلال طلبی در درون حزب گرديد.» (رفیق ضياء - " مطالبی در مورد جوانب مختلف قضیه رفیق زلاند "

«این انحراف باربار تکرار گرديده است و از طرف دیگر این تکرار، حداقل از یک جهت، زمينه مساعد برای تداومش را در سستی و ضعف مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی و هم چنان سستی و ضعف اقدامات انضباطی، یافته است.» همان جا

ضعف مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی و عدم برخورد قاطع علیه انحلال طلبی، حزب را با مشکلات عديده ای روبرو نمود - حتی در زمان حیات رفیق ضياء - بار بار موجب ریزش ها و حتی ریزش های کتلوی در حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گرديد. همین حرکات خودسرانه و انحرافات عمیق ایدئولوژیک سیاسی که حزب را باربار مورد ضربت قرار داده بود، رفیق ضياء در کنگره دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به عنوان خطوط متنافر در حزب مورد نکوهش قرار داد. در گزارش سیاسی ارائه شده در کنگره دوم حزب به صراحت بیان گرديده که یکی از تبارزات خطوط متنافر آنست که عمل می نماید، ولی تیوریزه نمی شود. و تبارز دیگر این خط متنافر عبارت از موجودیت شئونیزم مردسالارانه در درون حزب و برخوردهای لومپن مآبانه بعضی از انحلال گران و به خصوص شخص زلاند با زنان بود.

با کمال تأسف که این خط بعد از درگذشت رفیق ضياء نه تنها در عمل، بل که در تیوری هم خود را نشان داد. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با الهام گرفتن از تجارب قبلی، مبارزه علیه انحلال طلبی را به صورت جدی، پی گیر و اصولی پیش برد، وقتی که این مبارزه به نتیجه نرسید و انحلال طلبان روی انحلال طلبی شان پافشاری داشتند، به تصفیه درونی پرداخت و حزب را از لوث انحلال طلبی پاک نمود.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در نقد اعلامیه انحلال طلبان در سال 1400 خورشیدی به صورت مشخص به انحلال طلبان هوشدار داد که در مسیر انحرافی در حرکت اند، دیر یا زود به رویز یونیزم و تسلیم طلبی در خواهند غلطید. پیش بینی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در انتشار شماره بیست و هفت شعله جاوید فاقد اعتبار در سال 1401 خورشیدی و انتشار شماره بیست و هشت شعله جاوید فاقد اعتبار در سال 1402 خورشیدی از طرف انحلال طلبان، کاملاً درست از آب در آمد. شماره بیست و هفت شعله جاوید فاقد اعتبار به صورت همه جانبه نقد گرديد و در سایت حزب موجود است. قسمت اول نقد شماره بیست و هشت نیز در سایت حزب انتشار یافته است و قسمت دوم به زودی به نشر خواهد رسید.

از نیمه ده شصت خورشیدی به این طرف با آن که فضای ترور و خفقان مستولی بود و نیروهای انقلابی به شدیدترین وجه سرکوب می گردیدند، با آن هم رفیق ضياء نقش بسیار براننده ای در دفاع از مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم در افغانستان ایفاء نمود. نمی توان این نقش را نادیده گرفت. به همین ترتیب رفیق ضياء در اتحاد نیروهای مائوئیست افغانستان نیز نقش براننده ایفاء نمود. این نقش رفیق ضياء نیز قابل قدر است.

همان طوری که در اعلامیه های سال های گذشته یاد آور شدیم، باز هم مکرراً یاد آوری می نمائیم که از دست دادن رفیق ضياء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، این نویسنده و شاعر انقلابی و انترناسیونالیست واقعی ضایعه بزرگی برای جنبش بین المللی کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی) و جنبش کمونیستی افغانستان محسوب می گردد. رفیق ضياء نه تنها اشعار و سرودهای انقلابی به زبان فارسی دارد، بل که به زبان پشتو نیز اشعار انقلابی زیادی سروده است.

یاد و خاطره رفیق ضياء گرامی باد

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

اول سرطان 1403 خورشیدی

21 جون 2024 میلادی